

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی  
دانش مستعد

سال سوم، شماره ۲۷، آذرماه ۱۳۹۹



# السلامة

## ماهنامه علمی - اطلاع رسانی دانش سلامت

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰  
سال سوم، شماره ۲۷، آذرماه ۱۳۹۹



مشاهده شماره‌های پیشین تشریح

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم  
مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه  
سردبیر: دکتر اکرم حیدری  
امور اجرایی: محمد سالم  
ویراستار: حورا خمسه  
طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

### سخن آغازین

۴.....دعای آن حضرت است در حق خود و دوستانش

### سلامت در فوآن

۵.....ساز و کارهای خویشتن داری از منظر قرآن کریم؛ نظارت بر خود

محمود شکوهی تبار

### سلامت در احادیث

۸.....اعتبارسنجی روایات؛ وعده‌های غذایی

محمود شکوهی تبار

### فقه سلامت

۱۱.....بررسی نقش «قاعده احسان» در رفع ضمان حرفه‌مندان پزشکی

احمد مشکوری

### اخلاق سلامت

۱۲.....مرگ؛ گل خوشبو (ملاحظات اخلاقی پایان حیات)

محسن رضایی آدریانی

۱۴.....توضیح به بیمار، ممنوع! نه! بلکه این ممنوعیت، ممنوع!

محسن رضایی آدریانی

### فلسفه سلامت

۱۶.....آنتی‌رنالیسم

صادق یوسفی

### معرفی کتاب

۲۸.....پیوند اعضا از بیماران فوت‌شده و مرگ مغزی (بررسی فقهی-حقوقی)

### زلال سلامت

۲۹.....خلوتگاه عشق







## راهنمای نویسندگان

تهیه و ارسال شوند.

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون‌متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می‌شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان‌نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان مقاله/ کتاب/ پایان‌نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه

بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسؤول اعلام خواهد شد.

- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات

داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط

اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.

- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه [hrij@muq.ac.ir](mailto:hrij@muq.ac.ir)

نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی - اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می‌دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای موردنظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.

- توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی‌تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.

- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی





سخن‌آغازین

## دعای آن حضرت است در حق خود و دوستانش

ناگوار زمان و شرّ دام‌های شیطان و قهر و خشم سلطان، کفایت فرما. خدایا! جز این نیست که قناعت‌کنندگان، به فضل نیروی تو قناعت می‌کنند؛ پس بر محمد و آتش درود فرست و ما را از فضل نیروی خود کفایت کن و جز این نیست که بخشندگان از فضل خود تو می‌بخشند؛ پس بر محمد و آتش درود فرست و از فضل خود خود بر ما بیخش و جز این نیست که راه‌یافتگان، به نور وجه تو راه می‌یابند؛ پس بر محمد و آتش درود فرست و ما را به نور وجه خود هدایت کن. خدایا! هر که را تو یاری دهی، اقدام خوارکنندگان برای خوار کردنش زبانی به او نمی‌رساند و هر که را تو عطا کنی، ممانعت کردن منع‌کنندگان از او نمی‌گاهد و هر که را تو هدایت فرمایی، اقدام گمراه‌کنندگان برای گمراه کردنش او را به گمراهی دچار نسازد پس بر محمد و آتش درود فرست و به عزتت ما را از شرّ بندگان بازدار و به عطایت از غیر خود بی‌نیاز کن و به هدایتت ما را به راه حق ببر. خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و سلامت دل‌های ما را در توجه به بزرگی‌ات و آسایش بدن‌هایمان را در شکر نعمتت و گشوده شدن زبانمان را در وصف عطایت قرار ده. خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و ما را از دعوت‌کنندگانی که به‌سوی تو دعوت می‌کنند و راهنمایی‌انی که به‌سوی تو، به دلالت بندگان برمی‌خیزند و از ویژه بندگان که در پیشگاه حضرتت اختصاص به تو دارند قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

ای آن که شگفتی‌های عظمتش به پایان نمی‌رسد! بر محمد و آتش درود فرست و ما را از سرکشی و ستیزگی در برابر بزرگی‌ات، حائل و مانع باش و ای آن که دوران فرمانروایی‌اش به نهایت نمی‌رسد! بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را از مجازاتت رهایی بخش و ای آن که خزینه‌های رحمتش نابود نمی‌شود! بر محمد و آتش درود فرست و از رحمتت برای ما بهره و سهمی قرار ده و ای آن که دیده‌ها، از دیدنش از هم گسیخته است! بر محمد و آتش درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک کن و ای آن که نزد عرصه‌گاه مقامش، همه مقام‌ها کوچک است! بر محمد و آتش درود فرست و ما را در پیشگاهت ارجمند دار و ای آن که خبرهای پنهانی، نزدش آشکار می‌شود، بر محمد و آتش درود فرست و ما را نزد خود رسوا مکن. خدایا! به عطا و احسانت، ما را از عطا و احسان دیگران بی‌نیاز ساز و از ما غم و اندوه بریده شدن احسان دیگران را به احسان و جایزه‌ات کفایت کن تا با بذل و بخشش تو، به دنبال بذل و بخشش احدی رغبت نکنیم و با فضل و احسان تو از احدی نهراسیم. خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و به سود ما چاره فرما و به زیان ما چاره مساز و به سود ما تدبیر کن و به زیان ما تدبیر مفرما و ما را بر دیگران پیروزی ده و دیگران را بر ما پیروز مگردان. خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و ما را از خشم خود نگاه‌دار و به عنایتت محافظت فرما و به‌سوی خود هدایت کن و از حضرتت دور مساز؛ همانا هر که را تو حفظ کنی سالم می‌ماند و هر که را تو هدایت فرمایی دانا می‌شود و هر که را تو به خود نزدیک کنی، به بهره‌مندی می‌رسد. خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و ما را از شدت حوادث



## سازوکارهای خویشتن داری از منظر قرآن کریم؛ نظارت بر خود

محمود شکوهی تهرانی

دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
mahmood0110@gmail.com

به وضعیت مطلوب گام بردارد.

آیات فراوانی انسان را متوجه مراقبت از اعمال خود و ضرورت نظارت بر خویشتن می‌کند. برخی آیات به صورت مستقیم به این امر دعوت کرده‌اند و برخی با توجه دادن به شاهدان و ناظران بر اعمال انسان و ثبت و ضبط اعمالش او را به ضرورت نظارت بر خود توجه می‌دهند. در ادامه به هر دو دسته از آیات اشاره می‌شود.

خدای متعالی در سوره مائده خطاب به مؤمنان، آنان را به نظارت و مراقبت از خود، توصیه می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید! (مائده، ۱۰۵). آیات سوره حشر نیز ضمن دعوت مؤمنان به تقوا، به آنان دستور می‌دهد که مراقب اعمال خود باشند و از اینکه خدا را فراموش کنند و در نتیجه به خود فراموشی دچار شوند، بر حذر می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاسْتَنْظِرُوا أَنْفُسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آن‌ها فاسق‌اند (حشر، ۱۸-۱۹). در این آیه نکات زیر قابل توجه است:

- در این آیه به «نفس»، یعنی یک نفر تعبیر آورده تا نشان دهد که هر فردی باید خودش به فکر فردای خویشتن باشد، بدون آنکه از دیگران انتظاری داشته باشد که برای او کاری انجام دهند؛

- طبق این آیه خمیرمایه تقوا دو چیز است: یاد خدا،

خویشتن داری نقش مهمی در سلامت اجتماعی و سلامت معنوی ایفا می‌کند. مفهوم نزدیک به خویشتن داری در قرآن کریم تقواست. می‌توان تقوا را نوعی خاص از خویشتن داری دانست که طی آن انسان مؤمن با نیستی الهی، برای رسیدن به اهداف متعالی، از اهداف کوتاه مدت نفسانی چشم می‌پوشد. این پژوهش به دنبال معرفی سازوکارهای ارتقای خویشتن داری از منظر قرآن کریم است و در این راستا به بحث نظارت بر خود به عنوان یکی از مفاهیم مهم در خویشتن داری اشاره می‌شود. ویژگی روانی نظارت بر خود - که با تعبیر خود نظارت‌گری و خود مشاهده‌گری هم از آن یاد شده است - به معنی شناخت وضعیت خود و نظارت بر آن است که در ادبیات دینی با مفهوم «مراقبه نفس» از آن یاد شده است. نظارت بر خود، یکی از مراحل خویشتن داری و از عوامل مؤثر بر آن است؛ به گونه‌ای که فرد بدون آن نمی‌تواند به‌طور مناسب خویشتن داری کند. در این مرحله، فرد بر کنش، فکریا هیجان خود - و به‌ویژه جنبه‌هایی از آن‌ها که دارای فراوانی و شدت است - نظارت می‌کند (رفیعی هنر ۱۳۹۵: ۸۱، ۹۳، ۱۳۸-۱۳۹ و ۱۵۸). بر این اساس تقویت آن، زمینه تقویت خویشتن داری را فراهم می‌سازد. انسان با نظارت و آگاهی بر احوال و اعمال خود می‌تواند وضعیت خویش را با معیارها و اهدافش بسنجد و در صورت فاصله داشتن با آن، برای رسیدن



یعنی توجه به مراقبت دائمی الله و حضور او در همه جا و همه حال؛ و توجه به دادگاه عدل خداوند و نامه اعمالی که عملکرد انسان با همه جزئیات در آن ثبت شده است و به همین دلیل توجه به این دو اصل (مبدأ و معاد) در سرلوحه برنامه‌های تربیتی انبیاء و اولیاء قرار داشته و تأثیر آن در پاک‌سازی فرد و اجتماع کاملاً چشمگیر است؛

- اصولاً یکی از بزرگ‌ترین بدبختی‌ها و مصائب انسان خودفراموشی است؛ چراکه ارزش‌ها و استعدادها و لیاقت‌های ذاتی خود را که خدا در او نهفته و از دیگر مخلوقات ممتاز ساخته، به دست فراموشی می‌سپرد و این مساوی با فراموش کردن انسانیت خویش است و چنین انسانی تا سرحد یک حیوان درنده سقوط می‌کند و همت او چیزی جز خواب و خور و شهوت نخواهد بود! و همه این‌ها عامل اصلی فسق و فجور است و این خودفراموشی، بدترین مصداق فسق و خروج از طاعت خداست و به همین دلیل در پایان آیه می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ چنین افراد فراموش کار فاسق اند.

ازجمله مسائل دیگری که انسان را بیش از پیش متوجه ضرورت و اهمیت نظارت بر خویش‌تن می‌کند، توجه به این مسئله است که تمام عملکرد انسان با دقتی خاص توسط ناظرانی دیده و ثبت می‌شود و سرنوشت انسان بر اساس آن رقم می‌خورد. در قرآن کریم از ناظران متعددی که شاهد و ناظر و ثبت‌کننده اعمال انسان هستند، یاد شده است که ازجمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شاهد و ناظر بودن خدای سبحان: در بیش از ۳۴۷ آیه و بیشتر سوره‌ها به مسئله شاهد و ناظر بودن خداوند بر اعمال انسان اشاره شده است (داوری و همکاران ۱۳۹۳: ۷۵). انسان هیچ کاری انجام نمی‌دهد جز آنکه وقتی سرگرم آن است، خداوند گواه و شاهد لوست. به اندازه وزن ذره‌ای در زمین و آسمان از پروردگار پوشیده نیست، مگر آنکه در کتابی روشن ثبت است: ﴿لَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُبَيِّضُونَ فِيهِ وَ مَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (یونس، ۶۱). آری، خدا دانای همه چیز است؛ ﴿

هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (بقره، ۲۹). شنواست: ﴿إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره، ۱۸۱). می‌بیند: ﴿وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ﴾ (آل عمران، ۱۵). بر همه چیز از جمله انسان‌ها و اعمالشان احاطه دارد: ﴿أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق، ۱۲). از نهان دل‌ها آگاه است: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (آل عمران، ۱۱۹). چیزی بر او مخفی نیست: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾ (آل عمران، ۵). حتی پیش از اینکه سخنی بگوییم آن را می‌داند: ﴿وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ لَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (ملک، ۱۳-۱۴). از جزئیات و دقائق مطلع است: ﴿إِنَّ اللَّهَ أَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ (حج، ۶۳). به انسان نزدیک است: ﴿فَأِنِّي قَرِيبٌ﴾ (بقره، ۱۸۶)

- شهادت رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام: قرآن کریم، پیامبر ﷺ را شاهد و ناظر بر امت معرفی کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (احزاب، ۴۵) و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَقُلْ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ (توبه، ۱۰۵) در این آیه خدا، رسول الله و مؤمنان، شاهد اعمال دانسته شده‌اند. مفسران شیعه مراد از «المؤمنون» در این آیه را ائمه علیهم السلام دانسته‌اند و بر اساس ظاهر آیه و روایات ذیل این آیه از اهل بیت علیهم السلام بر آن استدلال کرده‌اند (برای اطلاعات بیشتر ر. ک: مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۷۴: ۱۲۴-۱۲۸). بنابراین، ائمه اطهار علیهم السلام نیز طبق این تفسیر و روایاتی که در این مورد وارد شده اند، شاهد و ناظر بر اعمال ما هستند؛

- شهادت فرشتگان الهی: در فرهنگ قرآن، فرشتگان شاهد و ناظر اعمال انسان‌ها هستند و اعمال انسان را ثبت و ضبط می‌کنند: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ (انفطار، ۱۰-۱۲)؛

- شهادت اعضای بدن: اعضای بدن انسان نیز در روز قیامت شهادت خواهند داد که نشان می‌دهد آنان نیز شاهد اعمال ما هستند. خداوند در سوره نور می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ در آن روز زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان بر ضد آن‌ها به اعمالی که مرتکب می‌شدند گواهی می‌دهد! (نور،





۲۴) همچنین در سوره یس به این مسئله اشاره شده است: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ امروز بر دهانشان مهر می‌نهییم و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می‌دادند شهادت می‌دهند! (یس، ۶۵)؛

- شهادت زمین بر عملکرد انسان: ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْفًا... يَوْمَئِذٍ نُخَبِّئُ أَسْمَاءَ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا﴾؛ هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید... در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می‌کند؛ چراکه پروردگارت به او وحی کرده است! (زلزله، ۱-۵). با توجه به سیاق، یکی از مصادیق اخباری که زمین از آن سخن خواهد گفت، اعمال انسان‌هاست. (ر.ک: مدرسی ۱۴۱۹ ق: ۲۷۸/۱۸؛ طوسی ۱۳۷۲: ۳۹۳/۱۰) طبق این آیات حتی زمین به ظاهری جان، شاهد و ناظر اعمال ماست و در روز قیامت شهادت خواهد داد.

افزون بر موارد یادشده، برخی آیات به صورت مطلق بر وجود شاهدان و ناظرانی اذعان کرده‌اند. در سوره طارق آمده است: ﴿إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَّيْهَا حَافِظٌ﴾؛ هر کس مراقب و محافظی دارد! (طارق، ۴) درباره اینکه مراد از «حافظ» چیست، اختلاف نظر وجود دارد. برخی منظور از آن را حفظ و ثبت و ضبط اعمال دانسته‌اند (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۷۴: ۳۶۳/۲۶؛ ابن عاشور بی تا: ۲۳۲/۳۰) و برخی افزون بر این، احتمال دیگری نیز مطرح کرده‌اند و مراد از «حافظ» را حفاظت از ذات نفس و اعمال او دانسته‌اند (طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ۲۵۹/۲۰) که در هر دو وجه، معنای حفاظت از اعمال وجود دارد.

همچنین آیاتی که به صورت کلی تأکید دارند که انسان در روز قیامت بر اعمال خویش واقف خواهد شد و چنین نیست که اعمال او از بین برود، نیز انسان را به نظارت بر عملکرد خویش تشویق می‌کند: ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ... عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ﴾؛ آن زمان که آسمان [کرات آسمانی] از هم شکافته شود... هر کس می‌داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است (انفطار، ۱-۵). نظیر این معنا در آیه چهاردهم

سوره تکویر نیز آمده است.

طبق آیات قرآن، ثبت و ضبط اعمال با دقت زیاد صورت می‌گیرد به گونه‌ای که حتی به اندازه ذره‌ای کار خوب و بد در این عالم از بین نمی‌رود و در روز قیامت دیده خواهد شد: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾؛ پس هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند (زلزله، ۷-۸).

توجه به این آیات باعث می‌شود انسان با وسواس زیادی به نظارت بر خویشتن اقدام کند و به محاسبه نفس خود بپردازد؛ زیرا هم خداوند به این مسئله فرمان داده است؛ هم اینکه شاهدان و ناظرانی افکار، نیات و اعمال ما را ثبت و ضبط می‌کنند و سرنوشت ما در زندگی واپسین با این اعمال رقم خواهد خورد.

منابع:

قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحرير و التوير، بيروت: مؤسسه التاريخ.

داوری، محمد؛ غلامرضا صدیق اورعی و محمدسعید عبدخدایی (۱۳۹۳)، «مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم»، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۱۴، ص ۵۵-۸۲.

رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۵)، روانشناسی مهارت‌های خویشتن با نگرش اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۲)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قنبرعاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.



ماهنامه علمی - اطلاع رسانی  
سال سوم، شماره ۲۷





سلامت در احیاء

## اعتبارسنجی روایات و عده‌های غذایی

محمود شکوهی تبر  
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
mahmood0110@gmail.com

### اهمیت صبحانه

بعضی روایات به اهمیت وعده صبحانه تأکید کرده‌اند. در روایتی می‌خوانیم: «او حدثا أبو منصور أحمد بن إبراهيم بن بکر الخوري بنیساور قال حدثا أبو إسحاق إبراهيم بن هارون بن محمد الخوري قال حدثا جعفر بن محمد بن زیاد الفقيه الخوري بنیساور قال حدثا أحمد بن عبدالله الهروي الشيباني عن الرضا علي بن موسى عليه السلام قال حدثني أبي موسى بن جعفر عليه السلام قال حدثني أبي جعفر بن محمد ع قال حدثني أبي محمد بن علي عليه السلام قال حدثني أبي علي بن الحسين عليه السلام قال حدثني أبي الحسين بن علي عليه السلام قال قال علي بن أبي طالب عليه السلام: مَنْ أَرَادَ الْبُقَاءَ وَ لَا بُقَاءَ فَلْيَبْكَرِ الْعَدَاءَ وَ يُجِدِّ الْعِدَاءَ وَ يُخَفِّفِ الرِّدَاءَ وَ يُقِلِّ غُشْيَانَ النَّسَاءِ! حضرت علی عليه السلام فرمود: هر که جاودانگی می‌خواهد و البته [برای غیر خدا] جاودانگی نیست، باید که صبحانه را زودتر بخورد و کفش خوب بپوشد و ردای سبک بگیرد و کمتر با زنان پیامیزد (حر عاملی ۱۴۱۶ ق: ۲۵/۲۵، ح ۳۱۰۵۲؛ صدوق ۱۳۷۸ ق: ۳۸/۲، ح ۱۱۲). این روایت با سه سند ذکر شده که دو سند آن ضعیف و یک سندش موثق است.

روایات دیگری با مضمون مشابه در کتب حدیثی نقل شده است. هرچند این روایات از نظر سندی ضعیف هستند، ولی به دلیل وجود یک روایت موثق در این باره و نیز اعتبار منبعشان، می‌تواند روایت موثق مذکور را تقویت کنند. وجود این روایات در واقع از جمله قرائن

۱. در برخی روایات آمده که مراد از عبارت «و لیخفف الرداء» کمی قرص و دین است.

تغذیه در سلامتی و سعادت‌مندی انسان تأثیر بسزایی دارد و تغذیه نامطلوب و کم‌خوری و پرخوری، تأثیری سوء بر سلامت جسم و روح انسان می‌گذارد. عبادت نیز که به عنوان یکی از اهداف خلقت در قرآن مطرح شده (ذاریات، ۵۶) است، تنها زمانی به صورت کامل محقق می‌شود که انسان از نظر جسمی از سلامت لازم برخوردار باشد. اهل بیت علیهم السلام با توجه به این مسئله درباره کیفیت و کیفیت تغذیه توصیه‌هایی فرموده‌اند که رعایت آن‌ها موجب سلامتی هر چه بیشتر انسان می‌گردد. در این پژوهش، برخی آموزه‌های معصومان علیهم السلام درباره وعده‌های غذایی مطرح می‌شود. با توجه به اینکه بهره‌مندی هر چه بهتر از این آموزه‌ها در گرو اعتبارسنجی آن‌هاست، در این مجال به اعتبارسنجی اعم از سندی، دلالی، ارزیابی منبع و بررسی قرائن پیرامونی برخی از این روایات می‌پردازیم. کوشش شده روایات از منابع معتبر شیعه همانند الکافی، من لایحضره الفقیه، وسائل الشیعه، عیون اخبار الرضا و المحاسن انتخاب شوند. بنابراین، روایات مذکور در این پژوهش از نظر منبعی از اعتبار کافی برخوردارند. به منظور اعتبارسنجی دلالی، خانواده حدیثی در موضوع مورد بحث این پژوهش تشکیل و معنای عبارات با توجه به همه روایات در این موضوع استخراج شده است. قرائن پیرامونی از جمله دیگر ابعاد اعتبارسنجی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، به این صورت که در مواردی که روایات متعدد با مضمون مشابه یا یک روایت با چند سند معتبر نقل شده، به این مسئله توجه داده شده است. همچنین به مواردی که سند روایتی آن‌ها ضعیف بوده و قرائن پیرامونی به جبران این ضعف کمک کرده‌اند، اشاره شده است.





پیرامونی برشمرده می‌شود که اعتماد ما را به آن روایت افزایش می‌دهد (برای مطالعه روایات بیشتر در این زمینه ر.ک: صدوق ۱۴۱۳ ق: ۳/ ۵۵۵، ح ۴۹۰۲؛ حر عاملی ۱۴۱۶ ق: ۱۸/ ۳۱۶، ح ۲۳۷۵۲؛ همان، ۲۰/ ۲۴۲، ح ۲۵۵۴۲؛ همان، ۲۴/ ۴۳۳، ح ۳۰۹۸۸).

دو وعده غذایی در روز (صبحانه و شام)

در بعضی روایات بر دو وعده غذا خوردن (صبحانه و شام) تأکید شده است در روایتی می‌خوانیم: «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن الحسن بن سعید عن النضر بن سويد عن علي بن الصلت عن ابن أخي شهاب بن عبد ربه قال شكوت إلي أبي عبد الله عليه السلام ... فقال لي: شَكَوتُ إلي أبي عبد الله عليه السلام مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَ التَّخَمِ فَقَالَ تَعَدَّ وَ تَعَشَّ وَ لَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئاً فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾ (مریم، ۶۲)؛ به نقل از شهاب بن عبد ربه: نزد امام صادق عليه السلام از دردها و بدگواری‌هایی که داشتیم، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: صبحانه بخور و شام بخور و در فاصله میان آن‌ها چیزی نخور؛ چراکه موجب تباهی تن است. مگر نشنیده‌ای که خداوند عزوجل می‌فرماید: و آنان صبحگاهان و شامگاهان، روزی ویژه خویش را دارند (کلینی ۱۴۰۷ ق: ۶/ ۲۸۸، ح ۲؛ برقی ۱۳۷۱ ق: ۲/ ۴۲۰). در این روایت از خوردن نهار نهی شده و بر دو وعده غذا خوردن توصیه شده است. البته با توجه به اینکه در سند این روایت نام علی بن الصلت ذکر شده و در کتب رجالی توضیحی درباره ایشان نیامده است، این روایت از لحاظ سندی ضعیف به شمار می‌آید.

تأکید بر خوردن شام و نهی از ترک آن

روایات زیادی بر خوردن شام تأکید و از ترک آن نهی کرده‌اند.

روایت یکم: «أحمد بن أبي عبد الله البرقي في المحاسن عن أبيه عن ابن أبي عمير عن جميل بن صالح عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَرَكَ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً؛ امام صادق عليه السلام: ترک شام، مایه پیری است (حر عاملی ۱۴۱۶ ق: ۲۴/ ۳۳۱، ح ۳۰۶۸۸). این مضمون عیناً در روایت صحیح دیگری نقل شده است (حر عاملی ۱۴۱۶ ق: ۲۴/ ۳۲۹، ح ۳۰۶۸۰). دو راوی آخر این دو روایت یکسان هستند، ولی راویان پیش از آن متفاوت‌اند؛ به عبارتی یک روایت است که از دو طریق نقل شده است. راویان هر دو روایت امامی و ثقه هستند و روایات صحیح به شمار می‌آیند.

روایت دوم: در روایت صحیح دیگری این مضمون تکرار شده است: «علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن جميل بن صالح عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَرَكَ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً وَ يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَسَنَّ الْأَيْتَ إِلَّا وَ جَوْفَهُ مُمْتَلِئاً مِنَ الطَّعَامِ»؛ امام صادق عليه السلام فرمود: ترک شام، مایه پیری است. برای مرد آن هنگام که پا به سن نهاده، بایسته است که تنها در حالی بخوابد که درونش پر از غذا باشد (کلینی ۱۴۰۷ ق: ۶/ ۲۸۸، ح ۳؛ حر عاملی ۱۴۱۶ ق: ۲۴/ ۳۳۳، ح ۳۰۶۹۶).

روایت سوم: در روایت صحیح دیگری آمده است: «عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال أمير المؤمنين عليه السلام: عِشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ بَعْدَ الْعَمَةِ فَلَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ فَإِنَّ تَرَكَ الْعِشَاءَ خَرَابَ الْبَدَنِ»؛ امام علی عليه السلام: شام خوردن پیامبران پس از تاریکی شب بوده است، آن را وامگذارید؛ چراکه واگذاردن آن ویرانی تن است (کلینی ۱۴۰۷ ق: ۶/ ۲۸۸، ح ۱؛ حر عاملی ۱۴۱۶ ق: ۲۴/ ۳۳۱، ح ۳۰۶۹۰).

روایت چهارم: همچنین روایت صحیح دیگری می‌فرماید: «علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرَكَ الْعِشَاءَ»؛ امام صادق عليه السلام: سرچشمه ویرانی تن، واگذارن شام است (کلینی ۱۴۰۷ ق: ۶/ ۲۸۸، ح ۲).

روایت پنجم: در روایتی صحیح می‌خوانیم: «علي بن محمد بن بندار عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن سليمان بن جعفر الجعفري قال كان أبو الحسن عليه السلام: لَا يَدْعُ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بَكَعَكَ وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّهُ قُوَّةٌ لِلْجِسْمِ وَ قَالَ وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ وَ صَالِحٌ لِلْجَمَاعِ»؛ الکافی به نقل از سلیمان بن جعفر جعفری: امام کاظم عليه السلام شام خوردن را وادامی گذاشت؛ هرچند به خوردن یک کلوچه بود. ایشان می‌فرمود: آن نیرویی برای تن است؛ و نمی‌دانم دیگر چه چیزی فرمود، جز اینکه دقیقاً این سخن را هم فرمود: و کارآمد برای آمیزش است (کلینی ۱۴۰۷ ق: ۶/ ۲۸۸، ح ۵).

برخی روایات نیز بر لزوم شام خوردن افراد مسن تأکید کرده‌اند. در روایتی معتبر آمده است: «علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن ذريح عن أبي عبد الله عليه السلام قال: السَّنِيعُ لَا يَدْعُ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بَلْقَمَةً»؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: کسی که پا به سن گذاشته است، شام را ترک نکند؛ هرچند به خوردن یک لقمه (کلینی ۱۴۰۷ ق: ۶/ ۲۸۹، ح ۹). روایات صحیح





دیگری نیز با مضمونی مشابه نقل شده است (ر.ک: کلینی ۱۴۰۷ ق: ۲۸۸/۶، ح: ۴؛ همان، ۲۸۹/۶، ح: ۶).

روایات دیگری نیز در این باره نقل شده‌اند که هر چند این روایات با ضعف سندى مواجه هستند؛ ولی به دلیل اینکه از نظر منبع نقل معتبر هستند و نیز محتوای آن‌ها با محتوای روایات صحیح در این باب مشابه است، می‌توانند به تقویت روایات صحیح کمک کنند (ر.ک: حر عاملی ۱۴۱۶ ق: ۳۲۹/۲۴، ح: ۳۰۶۸۳؛ همان ۳۳۰، ح: ۳۰۶۸۶، ح: ۳۰۶۸۷، ح: ۳۰۶۹۱؛ همان، ۳۳۱، ح: ۳۰۶۸۹؛ همان، ۳۳۴، ح: ۳۰۶۹۹، ح: ۳۰۷۰۱؛ کلینی ۱۴۰۷ ق: ۲۸۹/۶، ح: ۸، ح: ۱۰، ح: ۱۲، ح: ۱۱؛ صدوق ۱۴۱۳ ق: ۳۵۹/۳، ح: ۴۲۷) وجود روایات متعدد با مضمون مشابه از قرائن پیرامونی اعتبار به شمار می‌آید که از جنبه‌های مهم اعتبارسنجی است.

همان‌طور که دیدیم دسته‌ای از روایات بر اهمیت وعده صبحانه و برخی دیگر بر اهمیت شام تأکید کرده‌اند. در روایتی نیز بر دو وعده غذا خوردن در صبح و شام تأکید شده و از نهار نهی شده است؛ هر چند این روایت از نظر سندى ضعف دارد، ولی به دلیل اینکه، هم از اعتبار منبعی برخوردار است و هم با دو دسته روایات ذکر شده هماهنگی دارد، می‌توان به آن روایت اعتماد کرد. در واقع، قرائن پیرامونی این روایت به اعتبار آن کمک می‌کند. از جمع روایات نقل شده در این باره، می‌توان به این نتیجه رسید که وعده‌های غذایی مطلوب در نظر روایات، دو وعده در روز است که شامل صبحانه و شام می‌شود.<sup>۲</sup>

در این مجال روایات مربوط به وعده‌های غذایی مطرح و اعتبارسنجی شد که ابعاد آن به شرح زیر است:

أ. اعتبار از نظر منبعی: روایاتی که برای این منظور انتخاب شده از منابع دست‌اول شیعه است که اعتبار آن مورد پذیرش علماست.

۲. البته روایات دیگری نیز در این زمینه نقل شده است؛ برای نمونه روایتی منسوب به امام رضا<sup>ع</sup> در کتاب طب الامام الرضا<sup>ع</sup> سه وعده در دو روز را توصیه کرده است. با توجه به اینکه برخی در اعتبار این کتاب و استنادش به امام رضا<sup>ع</sup> تشکیک کرده‌اند (ر.ک: طباطبایی و نصیری، ۳-۲) و در این پژوهش تنها به منابع معتبری که اعتبار آن در بین علما پذیرفته شده، استناد شده، از نقل آن خودداری شد (منسوب به امام رضا، ۱۵-۱۶).

ب. اعتبار سندى: همه روایات این پژوهش که از لحاظ سندى بر اساس کار ارزشمند ترم‌افزار درایة‌النور مورد بررسی قرار گرفته، بیان شده است.

ت. اعتبار از نظر دلالتی: برای این منظور خانواده حدیثی تشکیل داده شده و معنای روایات بر اساس مجموع این روایات فهم و بیان شده است.

ث. اعتبار از نظر قرائن پیرامونی: در این زمینه از چند جهت اعتبارسنجی انجام شده است. به روایاتی که به چند طریق نقل شده بود و این باعث اعتبار بیشتر روایت می‌شد، اشاره شده است. در مواردی که چند روایت با یک مضمون نقل شده بود و این باعث می‌شد که اعتماد ما به مضمون مذکور و روایات افزون گردد، مورد توجه قرار گرفته است. در مواردی نیز با وجود ضعف سند در یک روایت، به دلیل اینکه مضمون این روایت با روایات دیگر همخوان و هماهنگ بود، این هماهنگی به عنوان یکی از قرائن پیرامونی در نظر گرفته شده و به نوعی جبران ضعف سند به شمار آمده است.

منابع:

۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق)، المحاسن، محقق: محدث، جلال‌الدین، چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامية.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل، قم: مؤسسه آل‌البتین، چاپ اول، انتشار: ۱۳۸۷.
۳. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا<sup>ع</sup>، محقق/ مصحح: لاجوردی، مهدی، تهران: نشر جهان.
۴. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، محقق: غفاری، علی‌اکبر، چاپ دوم، قم: دفتر نشریات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. طباطبایی سید محمد کاظم، نصیری، هادی (۱۳۹۱)، «پژوهشی در اعتبار رساله نهیه»، مجله علوم حدیث، شماره ۶۳، ص ۳-۲۱.
۶. کلینی محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط: الإسلامية)، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۷. منسوب به علی بن موسی، امام هشتم<sup>ع</sup> (۱۴۰۲ ق)، طب الامام الرضا (الرسالة النهیة)، محقق/ مصحح: نجف، محمد مهدی، قم: دار الخیم.





فقه سلامت

## بررسی نقش «قاعده احسان» در رفع ضمان حرفه‌مندان پزشکی

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم

a.mashkouri@gmail.com

برطرف نماید و دریافت حق الزحمه با ماهیت احسان ناسازگار است؛ یعنی منظور از احسان در موضوع قاعده، عمل رایگان است. بنابراین، حرفه پزشکی امروز که برای فعل خود اجرت می‌گیرد همانند دیگر شغل‌ها در برابر خسارت‌هایی که به دیگران وارد می‌سازد مسئولیت و ضمان دارد و قاعده احسان مستمسکی برای رفع ضمان نیست و باید برای رفع مسئولیت به راه‌های دیگری مثل اخذ برائت از مریض و ... تمسک جست (سعدی، ۱۳۹۰: ۶۷).

منبع:

مکارم شیرازی، ناصر. ترجمه قرآن کریم، قابل دستیابی در

<https://makarem.ir/quran/?lid&v=iew&id=۸۷#>

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۱). «فقه پزشکی» تهران: انتشارات حقوقی.

فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳). القواعد الفقهیه. مرکز فقه الأئمه الأطهار (ع).  
سعدی، حسین علی (۱۳۹۰). «تحلیل مسئولیت پزشک در قبال خسارات غیر عمدی در پرتو قاعده احسان». فصلنامه فقه پزشکی، سال سوم، شماره ۷ و ۸، ص ۶۷.

احسان یکی از مسقطات ضمان قهری به شمار می‌رود، یعنی اگر شخصی به انگیزه خدمت و احسان به دیگران باعث ضرر دیدن آن‌ها شود عمل او تعهدآور نیست؛ برای نمونه اگر شخصی ببیند که فردی در آتش افتاده و می‌سوزد و برای حفظ جان و دفع خطر از او مجبور شود لباس او را پاره کند در این صورت آن فرد ضامن قیمت لباس نخواهد بود؛ زیرا پاره‌کننده لباس در چنین شرایطی قصد احسان و خدمت به صاحب لباس و دفع ضرر از او را داشته است (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

این قاعده از آیه ۹۱ سوره توبه (ما علی المحسنین من سیل) به دست آمده و معنای آن چنین است: بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست (مکارم شیرازی).

اما از آنجاکه حرفه پزشکی در واقع نیکی و احسان به مردم است آیا می‌توان از قاعده احسان برای برائت پرسنل درمان بهره برد؟

در پاسخ این پرسش باید توجه داشت که برای تحقق عنوان احسان دو شرط لازم است. اول اینکه، فعل باید فعل حسن باشد و شرط دوم این است که فاعل قصد احسان داشته باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۲۸)؛ اما قصد احسان آنگاه محقق می‌شود که شخص صرفاً عملی را به دلیل احسان به دیگری و بدون اجرت انجام دهد. این شکل احسان است که می‌تواند ضمان را



اخلاق سلامت

## مرگ؛ گل خوشبو (ملاحظات اخلاقیه پایان حیات)

محسن رضایی آدریانی  
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،  
دانشگاه علوم پزشکی قم  
mrezaie@muq.ac.ir

قال رسول الله ﷺ: «الْمَوْتُ رِيحَانَةُ الْمُؤْمِنِ»؛  
پيامبر گرامی اسلام فرمودند: «مرگ، دسته گل  
خوشبوی مؤمن است» (میزان الحکمه).

خوانندگان عزیز نشریه آگاه هستند که گفته شده  
بود، طبق یک سنت نیکو، هر جلسه‌ای از کلاس  
اخلاق سلامت (اخلاق حرفه‌ای) با یک حدیث  
یا آیه مرتبط با موضوع و مبحث کلاس آغاز  
شود.

در شماره پیشین، آیه ۴۲ سوره زمر برای آغاز  
جلسه «پایان حیات» ارائه شد. اینک به یکی  
دیگر از فرمایشات گهربار اهل بیت علیهم السلام درباره  
این موضوع مهم، پرداخته می‌شود.

کمتر کسی است که درباره مرگ خود «نگران»  
نباشد. در برخی افراد، این نگرانی به اندازه‌ای  
است که به «ترس از مرگ» منجر می‌شود.

دست‌کم، ده دلیل برای این نگرانی و ترس بیان  
شده است (یثربی، ۱۳۸۰). دو مورد آن عبارت‌اند  
از:

- «عشق به زندگی دنیوی»: هنگامی که سال‌ها  
در یک کلان‌شهر با امکانات رفاهی گسترده  
زندگی کرده باشیم و به ما اعلام شود که باید  
مدتی طولانی (و بلکه برای ابد) به یک خرابه

منتقل شویم، اعتراض می‌کنیم.

هنگامی که همه همت و کوشش امثال بنده در  
زندگی شخصی و حرفه‌ای خود در نظام سلامت،  
رفاه دنیوی است؛ هنگامی که همه همت امثال  
من تنها برای خانه و ماشین و ویلا و سفر و  
... است و کوششی برای آبادانی خانه آخرت و  
زندگی جاودان خود نکرده‌ایم؛ وقتی که خدای  
ناکرده با زیرمیزی و تضييع حق بیمار، یا هنگامی  
که کسی با حقوق نجومی و اختلاس، دنیای  
خود را آباد کند و آخرت را خراب‌اندرخراب،  
طبیعی است که باید از مرگ بهراسیم!

اما مؤمن به حکم عقل و نقل (وحی و سنت)  
همه کوشش خود را برای آبادانی دنیا و  
آخرت به کار گرفته است. هم زندگی دنیوی  
و هم آخرتش را اخلاق‌مدارانه آباد نموده است.  
پس نگرانی ندارد. مرگ برای او بوییدن گلی  
خوشبوست!

- «کثرت گناه»: یکی دیگر از دلایل نگرانی  
انسان از مرگ، ترس و نگرانی از «پاسخگویی»  
(responsibility) است. مرگ انسان، آغاز  
پاسخگویی اوست. شب اول قبر، آن دو فرشته  
پرسشگر به سراغ تازه‌گذشته می‌آیند که برای  
مؤمن «بشیر و مبشر» و برای غیر مؤمن «نکیر





حساب و آزمون شروع می‌گردد. روشن است که بدحسابانی چو من، از حساب و کتاب گریزان باشند اما مؤمن، منتظر حساب است.

خوش بود تا محک تجربه آیه به میان  
تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

مؤمن، چون «درست‌کار» است، با خوش‌حالی می‌گوید: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا آفَرُّوا كِتَابِيَهُ﴾ بیایید عملکرد (درس، بخش، پژوهش) مرا بررسی کنید! (الحاقه، ۱۹).

روشن است که مرگ برای مؤمن، گلی  
خوشبوست!

منابع:

- قرآن کریم

- نهج البلاغه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، خطبه ۴۲

- محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد ۱۱، حدیث ۱۹۲۱۱

- یرینی، سیدحی (۱۳۸۰)، مرگ و مرگ‌اندیشی، قسرات، ۱۹۵-۱۱۱

و منکر» خواهند بود. پاس‌خگویی نسبت به اینکه چگونه زندگی کردیم، بلافاصله بعد از مرگ، آغاز می‌شود. بلافاصله پس از مرگ، انسان کارهای خود را درمی‌یابد. قبر یا «یک باغی از باغ‌های بهشت» یا «یکی از جاله‌های جهنم» خواهد بود.

نام آزمون برای برخی «اضطراب آزمون» به ارمغان می‌آورد؛ ولی دانشجویی که درس خود را روزانه و به‌خوبی خوانده، از آزمون باکی ندارد.

سرپرستار آن بخشی از بیمارستان که با همراهی همکاران خود، همه کارهای بخش را به‌روز و مطابق با آخرین دستورالعمل‌ها انجام داده است، از نظارت داخلی یا نظارت تیم اعتباربخشی استانی یا ملی، نگرانی ندارد.

پژوهشگری که تک‌تک آزمودنی‌های کارآزمایی بالینی خود را با رضایت آگاهانه واقعی و کامل، وارد پژوهش کرده است، هرگز نگران بازرسی کمیته اخلاق در پژوهش نیست.

مولایمان امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: ﴿إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حَسَابٌ، وَغَدَاً حَسَابٌ وَلَا عَمَلٌ﴾ (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۲). «بلی! بلافاصله بعد از مرگ، زنگ انشاء تمام می‌شود و زنگ

وقتی دنیای خود را آباد کرده‌ایم و آخرت را  
خراب‌اند؛ خراب؛ طبیعی است که باید از مرگ  
بهراسیم!





افراد است و حتی می‌تواند مصداقی از جرم باشد.

- بند «ج» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صراحتاً به رضایت بیمار اشاره نموده است و «هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود» (ق.م.ا. ۱۳۹۲) را از دایره جرم خارج می‌نماید. به عبارت دیگر، این بند، نشان می‌دهد که اقدام درمانی باید با رضایت بیمار باشد تا کاری صحیح باشد و جرم تلقی نشود! البته در ادامه، یک استثناء برای لزوم رضایت گرفتن از بیمار (تنها در مورد خطر برای جان بیمار) قائل می‌شود: «در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست» (ق.م.ا. ۱۳۹۲).

- نکته مهم در این باره اینکه، رضایتی که از سر آگاهی نباشد، رضایت معتبری نیست. در برخی موارد، هنگامی که شکایت از کارکنان نظام سلامت (به ویژه پزشک معالج) در دادگاه مطرح می‌شود، رضایت‌های گرفته شده از بیماران مورد قبول دادگاه واقع نمی‌شود؛ چراکه مشخص می‌شود «آگاهی کافی و لازم» برای «تصمیم‌گیری صحیح» در اختیار بیمار نهاده نشده است. به بیان دیگر حتی برگه رضایت امضا شده و دارای اثر انگشت و شاهد، باید کاشف از آگاهی لازم و کافی بیمار باشد و تنها یک برگه و یک سیاهه، اعتباری نخواهد داشت!

- منشور حقوق بیمار در جمهوری اسلامی ایران (ویرایش مصوب ۱۳۸۸) در محور دوم خود به صراحت می‌گوید: «اطلاعات باید به نحو مطلوب و به میزان کافی در اختیار بیمار قرار گیرد». بخش یکم این بند به محتوای این اطلاعات می‌پردازد و در چهارمین مورد آن به روشنی بیان می‌کند که «روش‌های تشخیصی و درمانی و نقاط ضعف و قوت هر روش

### تحلیل اخلاقی حقوق بیمار

## توضیح به بیمار، ممنوع! نه! بلکه این ممنوعیت، ممنوع!

محسن رضایی آدریانی  
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،  
دانشگاه علوم پزشکی قم  
mrezaie@muq.ac.ir

### معرفی مورد

دانشجوی پزشکی، درس اخلاق و تاریخ پزشکی را گذرانده است. در این کلاس بر اهمیت «رضایت آگاهانه» و اجزای آن تأکید شده است. همراه بیمار از دانشجو درباره دلیل جراحی و فرایند آن می‌پرسد. دانشجو می‌خواهد برای وی توضیح دهد که دکتر اجازه نداده و به دانشجو می‌گوید که نباید توضیح اضافه به بیمار داده شود!

### تحلیل مورد

- یکی از مهم‌ترین موضوعات اخلاق پزشکی، رضای بودن بیمار به اقدامات تشخیصی درمانی است. بدون رضایت بیمار، انجام اقدامات تشخیصی درمانی نادرست و مصداق تعدی به حریم خصوصی

رضایتی که از سر آگاهی نباشد،  
رضایت معتبری نیست.



آمر به معروف و ناهی از منکر باشیم تا خوبی‌ها و اخلاق پسندیده در جامعه ما رشدی فزاینده داشته باشد و بدی‌ها و منکرات از پیرامون ما رخت برنهد.

است که عمل کردن به عکس این روش، بسیار خطرناک است و قرآن کریم در چهار آیه قبل نیز این کار را نکوهیده و آن را صفت مردان و زنان منافق می‌داند: (الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (توبه، ۶۷).

- آمر به معروف و ناهی از منکر باشیم تا خوبی‌ها و اخلاق پسندیده در جامعه ما رشدی فزاینده داشته باشد و بدی‌ها و منکرات از پیرامون ما رخت برنهد.

منابع:

قرآن کریم.

پارساپور، علیرضا؛ علیرضا باقری و باقر لاریجانی (۱۳۸۸)، «منشور حقوق بیمار در ایران»، اخلاق و تاریخ پزشکی، ۳ (۱ و ۲): ۳۹-۴۷.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی، قابل دستیابی در:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/845048>

و عوارض احتمالی آن، تشخیص بیماری، پیش‌آگهی و عوارض آن و نیز همه اطلاعات تأثیرگذار در روند تصمیم‌گیری بیمار» بخشی از مجموعه اطلاعاتی می‌باشد که حق بیمار است تا در اختیار او قرار گیرد (پارساپور و همکاران، ۱۳۸۸).

- ممکن است کسی از عزیزان بگوید که منع نمودن این استاد، به این دلیل بوده که ایشان نگران بیان ناقص یا اشتباه از سوی دانشجو بوده است. در پاسخ باید گفت: یکم اینکه محتوای کلام وی، چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. کلام ایشان نشان می‌دهد که آگاه شدن بیمار را خیلی قبول ندارد. دوم اینکه اگر چنین نگرانی هم برای کسی وجود داشته باشد، راهکار صحیح حل این معضل، آموزش روش صحیح «آشکارسازی» (disclosure) به فراگیر است. این امر موجب گسترش اخلاق حرفه‌ای در میان حرفه‌مندان سلامت خواهد شد.

- نکته بسیار مهم دیگر، نهی از رفتار صحیح و اخلاق مدارانه است! همه ما باید آمر به معروف و ناهی از منکر باشیم. قرآن کریم این آمر به خوبی‌ها و اخلاق و ناهی بودن از منکرات و ناروایی‌ها را صفت نیکوی مردان و زنان مؤمنان دانسته است: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (توبه، ۷۱). نکته مهم آن





فلسفه سلامت

## آنتی‌رنالیسم

صادق یوسفی  
مرکز تحقیقات سلامت معنوی،  
دانشگاه علوم پزشکی قم  
syoosefee@muq.ac.ir  
yoosefee@gmail.com

از سوی دیگر، ساخت‌گرایان (Constructivism) نظریه‌های علمی را از نظر ماهیت و نیز نهادهای آن‌ها به چالش می‌کشند؛ چراکه از نظر واقع‌گرایان، واقعیت کشف می‌شود و میان واقعیت و کشف آن رابطه علی و معلولی وجود دارد. ساخت‌گرایان اجتماعی بیشتر به این پیوند علی معترض هستند. از نظر آن‌ها، واقعیت دلیل واقعیات یا دانش علمی نیست، بلکه نتیجه این دانش است؛ بنابراین واقعیتی که در علوم طبیعی نشان داده می‌شود را تنها ساخت اجتماعی بر پایه اجماع یک جامعه از واقعیت می‌دانند. در شماره آتی، به دو رویکرد رئالیسم و آنتی‌رنالیسم از منظر پزشکی اشاره‌ای خواهد شد.

منابع:

Marcum, J. A. (2008), Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine (Vol. 99). Netherlands: Springer.

در شماره‌های پیشین به مبحث رئالیسم پرداخته شد. امروزه، بروز آنتی‌رنالیسم همراه با دو رویکرد ابزارگرایی و ساخت‌گرایی است. در این شماره به‌طور کوتاه به این دو رویکرد اشاره می‌شود.

گرچه طرفداران رئالیسم علمی نظریه‌های علمی را در چپه‌ای رو به واقعیت می‌دانند، اما طرفداران ابزارگرایی (Instrumentalism) مخالف این ادعا هستند. آن‌ها واقعیت را محدود به موجودات قابل مشاهده می‌دانند و تئوری‌های مربوط به موجودات غیرقابل مشاهده را تنها ابزارهای پیش‌بینی‌کننده یا سودمند قلمداد می‌نمایند. به عبارت بهتر، ابزارگرایان دغدغه حقیقت ندارند، بلکه به نتایج عملی پیش‌بینی‌ها و تأیید یا رد آن‌ها از طریق مشاهده می‌پردازند. ابزارگرایی پایه‌های ارزیابی را از اینکه آیا پدیده‌های مشاهده‌شده در واقع وجود دارند یا نه، به سمت تحلیل اینکه آیا نتایج ارزیابی مطابق با پدیده مشاهده شده است یا خیر، منتقل نموده است. بنابراین، ابزارگرایی به چالش کشیدن ماهیت جهان است و با رئالیسم علمی قابل قیاس نیست.

ابزارگرایی پایه‌های ارزیابی را از اینکه آیا پدیده‌های مشاهده‌شده در واقع وجود دارند یا نه، به سمت تحلیل اینکه آیا نتایج ارزیابی مطابق با پدیده مشاهده شده است یا خیر، منتقل نموده است.





### معرفی کتاب

## پیوند اعضا از بیماران فوت شده و مرگ مغزی (بررسی فقهی - حقوقی)

کتاب «پیوند اعضا از بیماران فوت شده و مرگ مغزی» نوشته آسماعیل آقابابایی، عضو هیئت علمی پژوهشکده فقه و حقوق است. این کتاب در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در ۲۷۱ صفحه به چاپ رسیده است. امروزه علوم پزشکی به رشد چشمگیری رسیده و توانسته است بسیاری از اموری که در گذشته بی فایده تلقی می شد، به امری جدید و حیاتی تبدیل کند. یکی از آن‌ها تقطیع اعضای میت برای بهره‌مندی در اعضای زندگان است. با پیشرفت علوم پزشکی و امکان پیوند اعضا از انسان به انسان، در حوزه فقه مباحثی درباره جواز یا عدم جواز آن مطرح شد و مقالات و کتاب‌هایی در این باره به مرحله نشر راه یافت. این کتاب به تقد و بررسی فقهی - حقوقی قانون پیوند اعضا اختصاص دارد و شامل چهار فصل است. تحقیق مرگ، به ویژه مرگ مغزی، با موضوع ماده واحده «قانون پیوند اعضا...» ارتباط مستقیم دارد. از این رو، در فصل یکم به موضوع شناسی این مسئله پرداخته و ایرادهای مهم مطرح و به اختصار پاسخ داده شده است. در فصل دوم به بیان شروطی پرداخته که در قانون یادشده، از شرایط جواز برداشت اعضا از مردگان به منظور پیوند به شمار آمده است. این شرایط عبارت‌اند از: وصیت میت یا اعلام موافقت

اولیای میت و نقش حیاتی داشتن پیوند. فصل سوم به مسئولیت پزشک در پرداخت دیه و موارد اتقاء و جوب آن در برداشت اعضا از مردگان اختصاص دارد؛ و بالاخره فصل چهارم با لحاظ آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده، سعی در ارائه مباحثی دارد که هم‌اکنون با خلأ قانونی مواجه است. شناخت وضعیت موجود و طرح مسائل و مشکلات پیوند اعضا، در صورتی می‌تواند مفید تلقی شود که راهکارهایی هم برای برون‌رفت از بن‌بست‌ها و خلأهای موجود ارائه گردد. از این رو، این کتاب در پایان ضمن ترجمه قوانین برخی کشورها برای پر کردن خلأهای موجود، پیشنهادهایی را در چهارچوب مواد قانونی ارائه می‌دهد.

زهرا علایی طباطبایی زواره  
دانشکده سلامت و دین



زلال سلامت

## خلوتگاه عشق

ره عشق است و نوش و نیش دارد  
هزاران گردنه در پیش دارد

برو راه خود و امثال خود گیر  
که این ره لایق درویش دارد

کجا ره می برد در بزم خوبان  
هر آن که نفس بداندیش دارد

به کام دل رسیدن آرزو نیست  
که سالک را اسیر خویش دارد

شنیدم عاشقی فرزانه می گفت  
چو من دیوانه دیگر کیش دارد

عجب بز میست خلوتگاه معشوق  
که در شب عاشق دل ریش دارد

چو می پرسی ز من از وی نشانی  
نشانش کسی دانیش دارد

حسن را ار تمنی وصالست  
دلش را دور از تشویش دارد

علامه حسن زاده آملی رحمته الله